

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سازمان انقلابی افغانستان

«جامعه جهانی» یا امپریالیست های خونخوار؟

به ادامه گذشته:

نظم نوین جهانی و بدبختی های بشریت

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی که تیوریسن های بورژوازی پایان تاریخ و جاودانی سرمایه داری را اعلان کردند، ایالات متحده امریکا به عنوان سردمدار سرمایه و یکه تاز جهان به دنبال ابزاری بود که جانشین آرمان گرایی های کمونیست ها از نظر ایدئولوژیک گردد، به این خاطر «نظم نوین جهانی» را اعلان نمود. این نظم نوین که با تبلیغات «عدالت»، «دموکراسی»، «فقر زدایی»، «کثرت گرایی» و در نهایت «خوشبختی بشر» از سوی تیوریسن های سرمایه از جمله «انتونیو نگری» رقم خورد، کوشش نمودند تا با این تبلیغات امپریالیست های خونخوار دیروز را فرشته های عدالت و برابری امروز وانمود سازند و به این طریق ماهیت استثمارگراییانه و جنایتکارانه امریکا، انگلیس، فرانسه و استثمارگران دیگر را پنهان نمایند. لذا با چشم پارگی خاصی می نویسند که مفهوم امپریالیسم از عرصه روابط بین المللی رخت بسته، به قول آنان نه تنها امریکا یا هر قدرت دیگری نمی خواهد و نمی تواند کانون یک برنامه ی امپریالیستی باشد و اگر امروز امریکا پولیس جهانی شده، نه به خاطر منافع امپریالیستی آن، بلکه به خاطر امپراتوری نامرئی سرمایه هایی است که هدف آن پیشبرد «رقابت آزاد»، «تجارت آزاد» و «تحکیم دموکراسی» می باشد و در نتیجه مفهوم امپریالیسم اکنون تبدیل به یک «ایدئولوژی کهنه» شده که در تصور عده ای «عصرحجری» باقی مانده است!!

در حالی که واقعیت این است که این مفهوم نه تنها کهنه نشده، بلکه به نقطه اوج، یعنی به خطرناک ترین و مرگبارترین مرحله خود رسیده است، مرحله ای که علایم آن را هر روز در رسانه های همگانی مشاهده می کنیم و این وضعیت، بشریت را به فقر همگانی و ورطه جنگ هولناکی می کشاند.

اگر امروز امپریالیسم امریکا نقش «پولیس» جهانی را بازی می کند، به پولیس نیویارک شباهت ندارد، زیرا اگر مثلاً در افریقا میلیون ها نفر در اثر مداخله غیرمستقیم کمپنی های امریکایی و اروپایی کشته شوند، فلسطین به زندان خلق آن تبدیل شود، ترکیه هزاران کرد را قتل عام کند، اندونیزیا یک سوم مردم تیمور شرقی را بکشد،

یوگوسلاویا توتہ توتہ و ہزاران نفر در آن قتل عام گردند و بہ ہزاران زن تجاوز شود، در ہر ۲۰ دقیقہ در عراق و در ہر نیم ساعت در افغانستان انسانی بہ قتل برسد، درین جاہا امریکا نقش پولیس و ژاندارم را بازی نخواہد کرد، بلکہ بہ این قتل عام کنندگان بہ اندازہ کافی اسلحہ خواہد فروخت و افسران آنان را در مکتب «اس او ای» آموزش خواہد داد. اما اگر در ونزویلا علیہ دولت منتخب چاوز اعتصابی شود، امریکا با تمام قوا بہ کمک اعتصاب کنندگان می شتابد، در کولمبیا بہ ضد جنبش فارک کہ علیہ فیودال ہا دست بہ مبارزہ می زند، ملیاردا دالر بہ دولت مزدور و ضد انقلابی آن کمک می کند و تمام مخالفان دولت کیوبا را در امریکا با ہر چہ در توان دارد، کمک می نماید. بہ این صورت امپریالیزم امریکا در ہر جا بہ صورت انتخابی تجاوز می کند، چیزی کہ تیوریسن ہایی چون آقای نگر و ہزارم حصہ این جنایات را ہم از چشم تودہ ہا پنهان و کتمان کردہ نمی توانند.

امپریالیزم امریکا بہ خاطر پیادہ نمودن نظم نوینش کہ چیزی جز آقای بر جہان و استثمار بیشتر تودہ ہا نیست، از طرق گوناگون چون تشکیل پایگاہ نظامی، تہدید کشورہا، کنترل چاہ ہای نفت، تسلط بر بازارہای جہان، مداخلات مستقیم و غیرمستقیم نظامی، تبلیغات دروغین، تشکیل نہادہای «دموکراتیک» جہت مداخلہ در کشورہا، تقویت بخش خصوصی در مستعمرات و نیمہ مستعمرات، تبلیغ بازار آزاد، پرورش روشنفکران جاسوس، تشکیل احزاب رسمی، تشکیل رسانہ ہای «آزاد» و غیرہ کوشش می کند کہ این آقای را مسجل سازد و با این ابزار برای «نظم نوین» امپریالیستی اش اصالت و قانونیت ببخشد. این «نظم نوین» اکنون از نظر نظامی با پایگاہ ہای گسترده، بودجہ ہای سرسام آور نظامی، فروش ملیاردا دالر تسلیحات، دامن زدن جنگ ہا، قتل ہای عام، حرکت بہ سوی جنگ نامحدود و تقویت زرادخانہ نظامی امپریالیست ہا؛ از نظر اقتصادی با صدور سرمایہ لجام گسیختہ، استثمار بی حد و حصر، باج گیری ہای بالاتر از تصور، کنترل چاہ ہای نفت و گاز، کنترل بازارہا، کنترل یورانیم، مواد مخدر، الماس و غیرہ، مخصوصاً با تلاش ہای دیوانہ وار چہار مرجع مہم استثمارگرانہ امپریالیستی چون بانک جہانی، صندوق بین المللی پول، بانک انکشاف آسیایی و سازمان تجارت جہانی بہ تثبیت خود می پردازد.

امپریالیزم امریکا در تلاش ہایش برای کنترل راہ ہا، مواد خام و زیر فرمان داشتن مناطق مہم جیوپولیتیک و جیواکانمیک روز تا روز بیشتر مجبور می گردد کہ عوض «نظم نوین» منافع خود را علم نماید و با مداخلہ عربان در بسیاری از کشورہای جہان بہ چنین دفاعی برخیزد کہ حتی گاہ گاہ برای نزدیک ترین متحدش یعنی انگلیس ہم قابل قبول نباشد. اختلافاتی کہ میان امریکا و انگلیس در افغانستان و عراق پیش آمدہ چیزی جز کنترل بر مواد مخدر افغانستان و چاہ ہای نفت عراق نمی باشد، کہ یکی این را و دیگری آن را در کنترل دارد و می خواہند یکی دیگری را از نعمت انحصاری کہ بہ دست آورده محروم سازند. ادعای منافع امریکا در اوستیای جنوبی کہ با حملہ نیروہای روسی ہمراہ بود، با جواب ہای تندی از سوی روس ہا مواجہ گردید. روس ہا با تمسخر اظہار داشتند کہ امریکا از آن سوی ہزاران کیلومتر در اوستیای جنوبی منافع خود را می بیند، ولی در کنار مرز ما این منافع را برای ما دیدہ نمی تواند!! لولہ نفت باکو- جیحان ازین منطقہ عبور می کند کہ روزانہ برای کمپنی ہای امریکایی یک ملیون بشکہ نفت انتقال می دہد. این منافع امریکاست کہ کسی در جہان حق ندارد بہ آن کاری داشتہ باشد و این بیانگر واقعی نظم نوین جہانی آن می باشد کہ با آخرین حملہ روس ہا بہ اوستیا، چارچوب آن در حال درز برداشتن است.

امریکایی ہا در دوران جنگ سرد بیشترین مداخلات شان را از طریق سازمان سیا تنظیم می کردند تا جاییکہ این سازمان ہر رژیمی را کہ در گسترہ نفوذ امریکا قرار داشت، می توانست عوض نماید و بہ این خاطر نام آن در

سقوط آئنده، برگرداندن شاه به ایران، سقوط دولت برازیل و ۲۰۰ کودتایی که در ظرف دو سال در بولیوی صورت گرفت، به عنوان جنایتکارترین سازمان استخباراتی جهان سر زبان ها شد. سازمان سیا در آن وقت علاوه بر بسیاری از کشورها به اتحادیه های کارگری، سازمان های فرهنگی، رسانه ها و همچنان به روشنفکران سرشناس پول می پرداخت. با آغاز جنگ سرد، دول سرمایه داری در مقابله با پایداری سلطه عقیدتی اتحاد شوروی قرار گرفتند. سازمان سیا درین زمان برای سست کردن پایه های رژیم هایی که برای امریکا خوشایند نبود، به کمک مخالفان آن ها با ابزار نظامی، سیاسی، جامعه مدنی و رسانه ها می پرداخت. بدنامی روز افزون سیا که باید پشت پرده همه چیز را زیر نظر و کنترل می داشت، باعث شد تا نهاد دیگری به میان آید.

به این خاطر در ۱۹۷۹ ائتلافی از رهبران اتحادیه های کارگری، کارفرمایان، روشنفکران پوهنتونی، نهادهای وابسته به وزارت امور خارجه و رهبران دو حزب جمهوریخواه و دموکرات به وجود آمد که «بنیاد سیاسی امریکا» نام گرفت. عملیات های خونین سیا زیر سایه این نهاد ظاهراً «دموکراتیک» پوشیده نگه داشته می شد. بعد ریگان این نهاد را «دموکراتیک تر» ساخت و در سال ۱۹۸۳ «بنیاد ملی دموکراسی امریکا» را به وجود آورد که هدف آن نفوذ هر چه بیشتر سیا در بافت های درونی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی کشورها بود، اما ظاهراً گفته شد که هدف این نهاد «ایجاد زیربنایی برای ادای سهمی به تلاش جهانی برای برپایی دموکراسی است». این زیربنا باید با کوشش های «اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی» که در زمینه سیاست خارجی به عمل می آید و در مناسبات فشرده ای با بخش هایی چون کار، تجارت، پوهنتون ها، انساندوستی، احزاب سیاسی و رسانه ها گنجانده شود، انجام می گرفت.

بنیاد دموکراسی بار اول با همکاری سیا و اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا (یواس ای آی دی) از پول کوکائین و فروش سلاح به ایران، به ضد ساندنیست ها پول های زیادی را در اختیار ضد انقلابیون کنتررا به رهبری چومورو در نیکاراگوا قرار داد. در ۱۹۸۴ مبلغ پنج و نیم میلیون دالر را در انتخابات پولند جهت به قدرت رساندن «لخ والیسا» به اتحادیه همبستگی داد. با اینکه بنیاد دموکراسی در دوران جنگ سرد به میان آمد، اما بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و اعلان «نظم نوین امریکا» به ابزار مهم مداخله امریکا در وضعیت جدید میل گشت و به این خاطر در آن زمان در بیش از ۹۰ کشور جهان دست به مداخله زد. در ۱۹۹۱ در هائیتی برای «مارک بازین» کاندیدای ریاست جمهوری و یکی از ماموران بانک جهانی مبلغ ۳۶ میلیون دالر کمک کرد، اما بعد از آن که ارستید به قدرت رسید، از طریق این بنیاد به مخالفان او کمک نمود تا جاییکه ارستید را از قدرت برانداخت. بنیاد دموکراسی با همکاری تنگاتنگ «یواس ای آی دی» به مخالفان چاویز که از طریق انتخابات دموکراتیک به قدرت رسیده بود، بیست میلیون دالر جهت سرنگونی او به مصرف رساند و بعد برای شکست دادن ریفراندم قانون اساسی او بیش از هشتاد میلیون دالر خرج کرد.

بودجه این بنیاد در ۲۰۰۴ دو برابر شد و با همکاری «یواس ای آی دی» بنیاد های دموکراسی را در افغانستان بنیان گذاشت!! و هدفش را در افغانستان «کمک به زنجیره ای از سازمان های غیردولتی نوزاد» عنوان کرد. این نهاد در عراق به شدت فعال بوده، مخصوصاً در شمال آن کشور شعار نبرد برای دموکراسی را سر می دهد. رهبری این سازمان در ۲۰۰۶ برای رهبران ایالات متحده خاطر نشان ساختند که باید هر چه زودتر بودجه آن افزایش یابد، به خاطری که در برابر رژیم های خودکامه ای چون روسیه، روسیه سفید، ازبکستان، ونزوئلا و مصر قرار دارد!! اما کسی باور نمی کند که این رژیم ها چون عربستان سعودی، کویت، امارات، اسرائیل، اردن، پاکستان و یا رژیم هایی که در گذشته مورد حمایت امریکا از قبیل رژیم شاه، ضیاءالحق، پینوشه،

مارکوس، نوریگا و ده ها خودکامه دیگر که نورچشم امریکایی ها بودند، مستبد و دیکتاتور باشند. ولی چون آن ها زیر فرمان امریکا، هست و بود ملت شان را به پای استثمار و استبداد فداء می کردند و می کنند، بنیاد دموکراسی نه تنها به آنها کاری نداشته و ندارد، که برای حفاظت این دولت ها هزاران سرباز هم می فرستد، اما این نظام ها چون خود استثمار می کنند و امریکا را درین استثمار شریک نمی کنند، به این خاطر دیکتاتور و ضد دموکراسی می باشند که باید نهاد دموکراسی امریکا به ضد آن ها فعال باشد و مخالفان شان را تقویت نماید. این است معنی واقعی دموکراسی و نظم نوین امریکا که بر بنیاد این دموکراسی استوار می باشد.

با گسترش ۷۳۷ پایگاه نظامی امریکا در ۷۰ کشور جهان که ۲,۸ ملیون کیلومتر مربع را در بر می گیرد و بیش از ۲,۳ ملیون نظامی و غیرنظامی برای منافع امریکا در بیرون کار می کنند، قرارداد ستراتیژیک با ۸۰ کشور بسته و دموکراسی و نظم نوین امریکا با اشغال افغانستان و عراق در حال گسترش واقعی خود می باشد!!

امروز که نظام سرمایه داری با تمسک به نظم نوین جهانی امریکا بر جهان حاکم است و با تمام تبلیغات سردمداران این نظام و آمار و ارقامی که از سوی مراکز مختلف منتشر و تجزیه و تحلیل صورت می گیرد، نظام سرمایه داری به عنوان نظام «کارآمد» نه تنها قادر نشده خود را تثبیت نماید، که فقر عمومی توده های جهانی روز تا روز بیشتر شده، با تمام اینکه تیوریسن های بورژوازی نظام شان را از نظر استاندارد زندگی منحصر به فرد تعریف می کنند، اما می بینیم که در خود امریکا بیش از ۳۷ ملیون نفر در ۲۰۰۲ و بیشتر از آن در ۲۰۰۷ زیر خط فقر زندگی می کردند (میزان رسمی خط فقر معادل سه برابر حداقل میزان هزینه غذایی یک خانواده است که این میزان در ۲۰۰۲ برای هر فرد در امریکا در یک روز ۱۲,۶ دالر بود)، این میزان در میان سیاهپوستان به ۲۴ درصد می رسید. در حال حاضر این فقر در امریکا بیشتر شده است و این تفاوت ها در آن اضافه تر به چشم می خورد. درین سال ها در مجموع دستمزدها در کشورهای سرمایه داری ۸ درصد کاهش یافته است. این کاهش در فرانسه ۹,۳ درصد می باشد که به این صورت سالانه ۱۵۰ ملیون یورو از دستمزد کارگران بر پول سرمایه داران در فرانسه اضافه می گردد. هرچه نظم نوین سرمایه داری بیشتر گسترش یابد، به همان پیمانانه منفعت سرمایه داران بیشتر شده، تفاوت طبقاتی اضافه تر می گردد و کمپنی های سرمایه داری سودهای بیشتری را به جیب می زنند. هر چه این سودها بیشتر به این جیب ها سرازیر گردد، منطقاً به همان پیمانانه فقر و تیره روزی زحمتکشان دنیا بیشتر می گردد.

کمپنی های امپریالیستی و دونرهایی چون نهاد ملی و دموکراسی امریکا، یواس ای آی دی، جی تی زید، فریدریش ایبرت، جاپکا و ده ها نهاد دیگری که برای منافع این کشورها کار می کنند و ظاهراً دموکراسی را تمسک قرار می دهند، از فاسدترین نهادهایی اند که نه تنها این کمک ها را به جاهای اصلی شان نمی رسانند، که این آلودگی را به مزدوران زیر فرمان شان در کشورهای مستعمره نیز انتقال می دهند. کمپنی هلبرتن که مدیریت آن را دیک چینی معاون بوش به عهده دارد، در اولین سال حمله امریکا به عراق قرارداد شش میلیارد دلاری را در بخش لوجستیک با دولت امریکا به امضاء رساند که بعد غوغای فساد آن تا ۶۰ ملیون دالر بالا گرفت. کمپنی اکسون موبایل امریکا در ۲۰۰۴ به ارزش یک و نیم میلیارد دالر تیل به دولت امریکا در عراق فروخت که با فساد گسترده همراه بود. به اینصورت کمپنی ها با تجاوز دولت های شان پول های بسیاری را به جیب می زنند. این فساد به حدی در درون دولت عراق رخنه کرده و کمپنی های امپریالیستی چنان دستبرد می زنند که مبلغ ۸,۸ میلیارد دلاری که ظاهراً جهت بازسازی عراق اختصاص داده شده بود، همه در راه و نیمه راه گم شده است. دولت عراق تا حال به ارزش نه میلیارد دالر نفت فروخته، اما حالا یک دالر هم ازین پول ها در خزانه عراق وجود ندارد و همه غایب شده

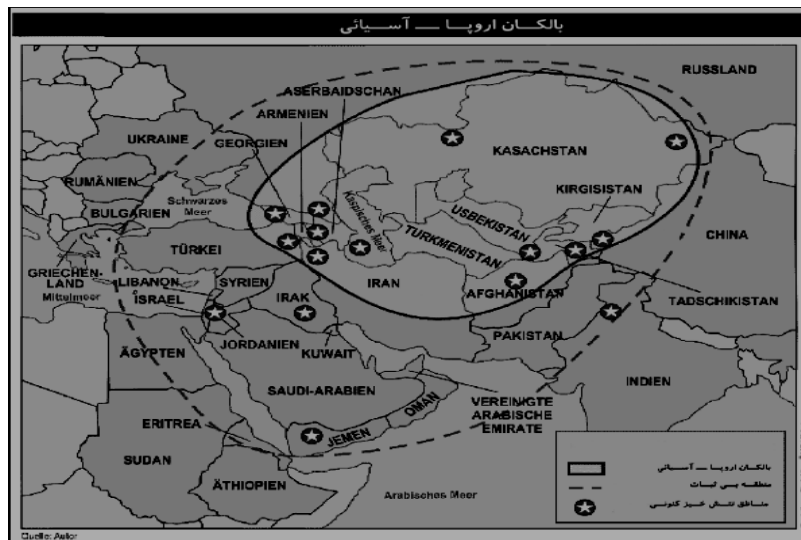
است. وزارت داخله عراق بیست درصد کارمندان خود را از اصل تعداد بیشتر نشان می دهد و پول اضافی را مشاوران امریکایی و بلند رتبه های دولت فاسد و مزدور عراق به جیب می زنند. به این خاطر نظم نوین را با غارت، فساد، تجاوز بر حقوق توده های مردم می توان تعبیر و تعریف کرد، چیزی که دیگران می خوانند، ما آن ها را با گوشت و پوست لمس می کنیم.

امریکایی ها با نظم نوین شان مدعی اند که به زودی «تروریزم» را نابود و جهان را پر از امن، داد و ثبات می سازند، در حالیکه از روز اول دست یازیدن امریکا به این تمسک، اکنون حملات تروریستی شش چند اضافه شده است و درین مدت یک روز هم دنیا بی جنگ نبوده است. در پشت این همه درگیری امریکا، انگلیس و فرانسه به شکل مستقیم و غیرمستقیم قرار داشته اند. روس ها و چینی ها هم اخیراً به خیل مداخله گران پیوسته، به فروش سلاح و مهمات مصروف اند. امپریالیست ها به صورت جمعی و یا تنهایی در مرکز کانون های جنگ قرار داشته و این وظیفه «مقدس» را به پیش می برند. دیگر برای هیچ کسی در جهان پوشیده نیست که تروریزم زاده نظم نوین امریکاست و رهبران این تروریست ها توسط امریکا و انگلیس پرورش یافته اند. امریکا بدون علم کردن چنین تروریزی قادر نبود نیروهایش را اینقدر در آسیا گسترش دهد، راه تسلط کمپنی های نفتی اش بر این منطقه هموار گردد و به اینهمه فروش سلاح و مهمات دست یابد.

امریکا، فرانسه، انگلیس و المان بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سیاست به جان هم انداختن ملیت های مختلف یوگوسلاویا را که در نظام سوسیالیستی به رهبری تیتو به شکوفایی خاصی رسیده و در کنار هم برادروار زندگی می کردند، به پیش گرفتند، جنگ خونینی که ثمره آن تبدیل این کشور به شش کشور کوچک شد. کشورهایی که همه حلقه به گوش ایالات متحده بوده و در اکثر آن ها پایگاه های نظامی امریکا استقرار یافت. در جریان این تجزیه بیش از ۲۵۰۰۰۰ یوگوسلاویایی به قتل رسیدند و به هزاران زن تجاوز صورت گرفت که امروز صدها گور دستجمعی در آنجا کشف می شود و نشان می دهد که نظم نوین امپریالیستی معنایی جز قتل و غارت ندارد. امریکا و انگلیس که فکر می کردند با اشغال عراق و سقوط دولت صدام مورد استقبال عراقی ها قرار خواهند گرفت، اما عراقی ها وقتی کشور شان را اشغال شده یافتند، در مقابل نظم نوین، دموکراسی و حقوق بشر امریکا با مقاومت و پایداری ایستادند که در نتیجه از جمعیت ۲۴ میلیونی عراق، چهار میلیون آواره، دو میلیون زخمی و معلول و یک و نیم میلیون کشته شدند. اینست پیام دموکراسی نظم نوین امپریالیست ها به ملت عراق. عراقی که قبل از اشغال درآمد سرانه آن ۲۴۰۰ دالر در سال بود، حال به ۱۴۰ دالر رسیده است. ۹۸ درصد سنی ها و ۸۶ درصد شیعه های عراق مخالف اشغال امریکا بوده، خواهان مقابله با امپریالیست های امریکایی و انگلیسی می باشند. سه کمپنی امریکایی بر نفت عراق به دلخواه خود برای ۲۵ سال انحصار بست و قرار است این کمپنی ها طی ۲۵ سال روزانه ۶,۱ میلیون بشکه نفت تولید نمایند که به اینصورت بعد از ۲۵ سال یک قطره نفت هم در ذخیره ۱۵ میلیارد تنی عراق باقی نخواهد ماند. اینست نظم نوین جهانی امریکا که امروز در پرتو آن تنها در سوریه هشت هزار زن عراقی مجبور به تن فروشی اند و در هر ۲۰ دقیقه یک عراقی به قتل می رسد.

امپریالیزم خونخوار فرانسه که از متحدان پروپاقرص امریکا در نظم نوین جهانی سرمایه داریست، در رواندا با به جان هم انداختن توتسی ها و هوتوها (این دو گروه که ظاهراً قومی قلمداد می شوند، دو گروه اقتصادی اند که در زمان استعمار بلژیکی ها، کسانی که از نظر اقتصادی دارایی در حد پنج رأس گوسفند و یا معادل آن داشتند، توتسی و دیگران را هوتو نامیده، تقسیم شدند. روشنفکران نیز جزء توتسی ها به حساب می آمدند) حدود دو میلیون نفر را به قتل رساند. فرانسوی ها در حالی نظاره گر و هیزم بیار معرکه جنگ صد روزه رواندایی ها بودند که طی آن

هشتصد هزار نفر به قتل رسیدند و فرانسوی ها با چشم پارگی شعارهای دموکراسی و حقوق بشر را در آن کشور سر می دادند.



در سودان که از بسیاری نقاط آن بوی نفت به مشام امپریالیست های فرانسوی و امریکایی می رسد، با درگیری هایی که از سوی این دو امپریالیزم درین کشور میان شمال و جنوب دامن زده شد، حدود دو میلیون نفر کشته و یک میلیون دیگر بی خانمان شدند و در دارفور ۳۰۰ هزار نفر به قتل رسیدند و سه میلیون نفر بی خانمان شدند. این هم از نذرهای نظم نوین جهانی امریکا بود.

در افغانستان که مهمترین محل تبلیغات نظم نوین جهانی است، در زمان حاکمیت تنظیم ها که از سوی غربی ها حمایت می شدند، حدود ۶۵ هزار نفر کشته شدند. بعد که کمپنی های نفتی یونوکال و بریداس پای طالبان را به افغانستان باز کردند، در اثر درگیری این نیروی جاهل با مخالفان، حدود یکصد هزار افغان به قتل رسیدند. اینک با اشغال افغانستان که باز هم با شعارهای دموکراسی و حقوق بشر همراهی می شود و ۷۰ هزار نیروی امپریالیستی به رهبری امریکا آن را اشغال کرده اند، در شش سال گذشته بیش از ۵۰ هزار نفر به قتل رسیده اند. افغانستان نمونه تپیک پیاده شدن دموکراسی و نظم نوین جهانی امریکا است که در بخش بعدی آن را به بحث خواهیم گرفت. این همه جنگ، کشتار، غارت، استثمار و فقری که بعد از اعلان نظم نوین جهانی در دنیا حاکم شده است، در زمان جنگ سرد وجود نداشت و اینک هر روز این وضعیت بد و بدتر شده می رود. با بیان آمار و ارقام زیر می توان اثرات این نظم نوین جهانی را به خوبی دانست که چگونه کارد را به استخوان بشریت فرو برده است.

تفاوت زندگی میان توده ها در شرایط کنونی چنان عمیق و گسترده می باشد که بیش از سه میلیارد نفر در جهان با دو و یا کمتر از دو دالر زندگی می کنند. این در حالیست که جمع سرمایه سه تن از ثروتمندان جهان بیشتر از تولید ناخالص ملی ۴۸ کشور جهان می باشد. ۲۰ درصد از ثروتمندان جهان در کشورهای سرمایه داری ۸۲ درصد صادرات و ۶۸ درصد سرمایه گذاری خارجی را در اختیار دارند. ثروت چند صد میلیونر جهان برابر با ثروت ۲.۵ میلیارد نفر از جمعیت فقیر دنیا می باشد. سهم ۴۸ کشور فقیر دنیا در صادرات فقط ۰.۴ درصد کل صادرات جهان است. تمرکز ثروت درین سال ها در جهان چنان افزایش یافته است که ۲۰۰ تن از ثروتمندان جهان یک هزار

میلیارد دلار سرمایه دارند، در حالیکه ۵۸۲ میلیون نفر در ۴۳ کشور فقیر جهان فقط ۱۴۶ میلیارد دلار سرمایه دارند. با فقری که استثمار «نظم نوین» بر جهان سایه افکنده، اکثریت مردم جهان از کمک های صحتی و تداوی محروم اند و این فقط سرمایه داران اند که فراغ البال از میکروپ و ویروس، مجهزترین شفاخانه های دنیا را در اختیار دارند. همین حالا در دنیا روزانه ۳۰ هزار کودک نارسیده به پنج سالگی می میرند. در سال ۲۰۰۳ بیش از ۱۰۶ میلیون کودک جان دادند که اضافه تر از تمامی کودکان فرانسه، آلمان، ایتالیا و یونان می شد. در سال ۲۰۰۰ بیش از یک میلیون و هفتصد هزار کودک از گرسنگی مردند. به خاطر عدم دسترسی به غذای کافی همین اکنون ۷۹۰ میلیون نفر در جهان به سوء تغذی مبتلا اند که بیشتر آنان در آسیا و اقیانوسیه زندگی می کنند. ارزیابی ها نشان می دهد که در دو سال اخیر مرگ و میر نوزادان با پیشرفت «نظم نوین امریکا» در جهان دو چند شده است. درین میان سالانه یک و نیم میلیون کودک در اثر اسهال جان می دهند. اگر از هزینه های نظامی جهان که سالانه به ۱۰۵۰ میلیارد دلار می رسد، یک درصد آن را صرف معارف کنند، تمام کودکان جهان می توانند به مکتب بروند. در حالی که ۲۰ درصد از جمعیت ثروتمند جهان ۸۶ درصد کالاهای دنیا را به مصرف می رسانند، بیش از یک میلیارد نفر در جهان به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. به این ترتیب از هر سه نفری که به آب آشامیدنی دسترسی ندارند، دو نفر شان روزانه با کمتر از دو دلار و یک نفر کمتر از یک دلار زندگی می کنند. نیمی از کشورهای در حال توسعه به امراضی مبتلا اند که از اثر آلودگی آب پیدا می شود، این در حالی که ۸۵ درصد آب صحتی جهان به وسیله ی ۱۲ درصد سرمایه داران به مصرف می رسد. همین اکنون ۶۵۰ میلیون نفر در جهان سرپناه ندارند و در کلکته هندوستان (بزرگترین دموکراسی جهان!!) ۲۵۰۰۰۰ کودک بر روی جاده ها می خوابند و ۳۰ درصد مردم هندوستان زیر خط فقر زندگی دارند. حدود ۲۱۴۰۰۰ دهقان به خاطری که نتوانستند قرض فیودالان را بپردازند، در سال ۲۰۰۵ در هندوستان دست به خودکشی زدند. با این که در جهان ۱۲۱ میلیون کودک به آموزش دسترسی ندارند، در اروپا و امریکا از استثمار توده های جهانی مخصوصاً زحمتکشان جهان، مصارف حیرت انگیز زیر صورت می گیرد:

مصرف آیسکریم در اروپا در هر سال ۱۱ میلیارد دلار، مصرف عطر در اروپا و امریکا در هر سال ۱۲ میلیارد دلار، مصرف غذای حیوانات خانگی در اروپا و امریکا در هر سال ۱۷ میلیارد دلار، مصرف تفریح در جاپان در هر سال ۳۶ میلیارد دلار، مصرف سگرت در اروپا در هر سال ۵۰ میلیارد دلار، مصرف مشروبات الکولی در اروپا در هر سال ۱۰۵ میلیارد دلار و مصرف مواد مخدر در جهان که پول آن بیشتر از اروپا و امریکا به دست می آید، در هر سال ۴۰۰ میلیارد دلار می باشد. این آمار را با مصارف لازمی انسان های کره زمین مقایسه می کنیم که چقدر پول ضرورت مصارف انسانی می باشد و سرمایه داری آنچه که در لفظ می گوید، اگر در عمل هم همانطور باشد، به چه پیمانانه مشکلات جهانی مرفوع می گردد، زیرا مصرف آموزش ۶ میلیارد دلار، مصرف آب آشامیدنی ۹ میلیارد دلار، سلامت زایمان برای تمام زنان جهان ۱۳ میلیارد دلار و برای بهداشت اولیه و تغذیه لازم ۱۳ میلیارد دلار در سال است.



«نظم نوین جهانی» امپریالیست ها که در رأس آن ایالات متحده امریکا قرار دارد، اکنون نه تنها از سوی توده های جهان با تمسخر استقبال می گردد، که حریفان امپریالیستی آن ها چون روسیه و چین در صدد هر چه بیشتر مسخره کردن آن بوده و رقابت میان اینان روز تا روز در جهان، مخصوصاً در آسیا به اوج خود می رسد و این امر مسلم است که دیر یا زود بار دیگر توده های دهقان و کارگر در قالب احزاب کمونیستی سر بالا خواهند کرد و این بار با درس هایی که از شکست ها و پیروزی های گذشته گرفته، توفنده تر به پا خواهند خاست و بنیاد امپریالیزم را با تمام نیرنگ های آن واژگون خواهند نمود. این امر مسلم تاریخ است و هیچ جامعه ای را در هیچ کنج دنیا از آن گریزی نیست.

ادامه دارد